

تربیت و تعامل‌های وارونه



مقدمه

ما موجوداتی اجتماعی هستیم و از آغاز ولادت، دارای آگاهی‌ها و زمینه‌های فطری و غریزی^۱ در آن چه مربوط به حیات عادی و گذران زندگی فردی و اجتماعی است جاهلیم،^۲ ولی به ابزار فراگیری و اکتساب معرفت مجهزیم.^۳ ما را زمینه و توان فهم و ادراک و بصیرت است، و هم قدرت انبیا^۴ و سرایت آموزش آموخته‌ها به دیگران.

منابع معرفت ما از سویی دستگاه تربیت است، یعنی خانه، مدرسه و جامعه به معنای عام،^۵ و از سویی دیگر تفکر و تعقل،^۶ به‌کارگیری تجارب و قدرت استنباط.^۷ ولی در

همه حال سازمان ده اندیشه ما خانه و مدرسه و در مراحل بعدی تفکر و خردورزی و جامعه و فرهنگ اجتماعی است.^۸

در حیات اجتماعی، بده و بستان، تأثیر و تأثر و به بیانی کوتاه و مختصر، تعامل مطرح است. از خانه و مدرسه می‌گیریم و آن را به جامعه پس می‌دهیم و در عین حال ممکن است چیزی را از جامعه بگیریم و آن را به خانه و مدرسه پس دهیم که این امر در در عصر ما وسیع و پر دامنه، و از دیدی بس مشکل‌آفرین است.^۹

وضع تعامل‌ها

در جوامع سنتی، خانه و مدرسه منبع دانایی‌ها و آگاهی‌ها بودند. والدین و مربیان دائرةالمعارف یا فرهنگ‌نامه کودکان و شاگردان به حساب می‌آمدند. بخش اعظم دانسته‌های افراد از خانه و آن‌گاه از مدرسه اخذ می‌شد. شاگردان با ذهنی خالی وارد مدرسه می‌شدند، از معلمان دانش‌های لازم را فرا می‌گرفتند و پس از فراغت از تحصیل آن را به مردم جامعه و طالبان دانش هدیه می‌کردند.^{۱۱}

در سال‌های اخیر، به علت توسعه وسایل ارتباط جمعی^{۱۱} و گسترش روابط و ارتباطات، افراد در معرض بمباران اطلاعات‌اند. هر انسانی در تشبیه همانند یک سیبیل یا یک هدف است که در معرض نشانه‌گیری‌هاست. جرقه‌های خبری و تشعشع‌های اطلاعاتی از سوی مراکز جدید او را نشانه می‌روند و ره آورد خود را در درون ذهن و جاننش می‌ریزند.

دانش‌آموز به مدرسه می‌آید و در واقع این بار نوبت اوست که اطلاعات مکتسب از اینترنت و وسایل ارتباط جمعی را در مدرسه نشر و گسترش دهد و حتی در نشر اسرار، پیشتازتر از معلم باشد. شاگرد به خاطر عدم محدودیت در کسب خبر و بازتر بودن محیط برای او، در شرایطی است که می‌تواند به آگاهی‌های آمیخته از زشت و زیبادست یابد، که معلم نیز از آن بی‌خبر است.^{۱۲}

این وضع و جریان که در جوامع بزرگ به صورت بازتری عمل می‌کند از یک سو جریان کسب معرفت را در مدرسه و خانه تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و از سوی دیگر جهت تعامل معرفتی را که از خانه و مدرسه به سوی جامعه بود وارونه می‌سازد، یعنی جریان از جامعه به سوی خانه و مدرسه است.

آشفته‌گی در کسب معرفت

وجود وسایل ارتباط جمعی، از جمله رادیو و تلویزیون، ماهواره و اینترنت، حتی تلفن و روزنامه‌ها صورت آشفته‌ای از معرفت‌ها را به نسل سرایت می‌دهند. امروزه کوچک‌ترها در در و ورود به دنیای آگاهی‌ها به همان میزان آزادی و امکان دارند که بزرگ‌ترها.^{۱۳}

خبر محرمانه و راز و اسرار مگو که روزی اختصاص به طبقه و گروهی خاص داشت، امروزه دارای عمومیت است.^{۱۴} توان کنترل‌ها برای جلوگیری از بیداری‌های نا به هنگام نسل، مخصوصاً کودک و نوجوان از میان رفته است، و این معرفت پیش‌رس همه‌گاه به مصلحت نسل نیست.

در جوامع سنتی^{۱۵} اخبار و آگاهی‌ها، از سره و ناسره در اختیار بزرگ‌ترها بود. آن‌ها بودند که با دسته‌بندی آگاهی‌ها و مصلحت‌اندیشی‌ها، پاره‌ای از اطلاعات بدآموز را از دید و آگاهی نسل دور می‌داشتند، اما امروز وضع بدان گونه نیست.

از بابان و وسایل ارتباط جمعی و ابرقدرتان نیز در این اندیشه نیستند که بهره‌گیران از آن ابزار چه کسانی‌اند و نشر یک راز و یک خبر چه پی‌آمدی دارد. در نتیجه نسل دچار ذهنی آشفته و دره‌سم و آگاهی‌های صدمه‌آفرین، اضطراب‌آور و زمانی هم فسادآموز است.^{۱۶}

خطر این امر

خطر این دره‌سمی و آشفته‌گی، از هم گسستگی بافته‌های تربیتی، به هرز رفتن نیروها، قوت گرفتن نیروهای رذیله، شیوع و گسترش انحرافات است، به ویژه که ریشه‌های شرور در درون آدمی لانه دارند.^{۱۷} دستگاه‌های جدید

همان امر دارد. نسل جدید کم‌تر آمادگی دارد از بزرگ‌ترها که افرادی ورزیده و جهان دیده‌اند، دستور بگیرد، زیرا باورش‌ان این است که اینان محیط و شرایط را درک نمی‌کنند، با منطق روز آشنا نیستند، نمی‌دانند در دنیا چه خبر است و... شبیه این عبارات را امروزه از زبان بسیاری از نوجوانان می‌شنوید.^{۲۵}

عوامل دامن زننده

آن چه بر خطر این عوامل دامن می‌زند از سه دیدگاه در خور بررسی است:

۱- از دید نسل: که طبیعت او طبیعت جذب و جلب زرق‌ها و برق‌ها و لذایذ است، اگر چه زود گذر و آنی باشند.^{۲۶} طبیعت نوحواهی و نوطلبی نوجوانان با خردورزی برای ارزیابی و سنجش همراه نیست. عبارت و فی کل جدید لذه (در هر جدید لذتی است)، در مورد نسل نوجوان و جوان صادق‌تر است.

نسل جوان در اوج رشد غرائز است و می‌دانیم که از صفات عمده غرائز خواهنندگی است، در حالی که پای بندی به مشروعیت هنوز در آنان رشد کافی نیافته است. به عنوان مثال در سنین ۱۳ و ۱۴ سالگی اند، ولی هوس ۱۷ و ۱۸ سالگی را دارند.^{۲۷} آنان توان تطابق بین خواست‌ها و عقلانی بودن آن‌ها را ندارند. دست ایشان در فراگیری‌ها باز و در کنترل هوس‌ها بسته است.

۲- از دید مریبان: شامل والدین و معلمان و هر کسی که دست‌اندرکار تربیت است. متأسفانه گرد جهل و بی‌خبری بر موی سر بسیاری از آنان نشسته است و به حق از فرزندان خود در این عرصه واپس‌ترند. برخی از آنان چنان در تحجر خود مانده‌اند که اثر بخشی‌ها و

ارتباط جمعی، از ماهواره و اینترنت در شرایطی قرار دارند که حتی نشانی مراکز فساد را در سطح جهانی در اختیار می‌گذارند. هوس‌های پیش‌رس و نابه‌نگامی را در نسل ایجاد می‌کنند و حتی در مواردی درس‌آموزی‌های غلطی دارند.

توسعه فیلم‌های پلیسی با همه فوایدی که دارد برای عده‌ای درس‌آموز جنایت‌هاست. نشان دادن برنامه‌ای در تلویزیون در مورد کیفیت سر به نیست کردن رقیب، راه را برای سر به نیست کردن‌ها باز می‌گذارد.^{۱۸} ارائه کیفیت قتل و و خفه کردن و اعمال جنایی برای نسل کم سال همانند سمی کشنده است.^{۱۹}

به همین گونه است مسائل مربوط به عشق و عاشقی برای نوبالغان که از سویی دچار بلوغ زودرس‌اند و عقلشان در همان مرز سنی آنان است و توان انطباق عقل را با شرایط هوس خویش ندارند، و از سوی دیگر هوسی در آنان پدید می‌آید که امکان اقناع و سیر کردن آن به گونه مشروع نیست و^{۲۰} نتیجه همان می‌شود که امروز در عرصه کوچ و خیابان شاهدیم.

خطر دیگر این جریان آن است که آگاهی‌های پیش‌رس و همگانی شده ابهت و مقام تعلیمی والدین و مریبان را زیر سؤال می‌برد. کودکان و نوجوانان امروز بیش‌تر از والدین و مریبان در امر کسب اطلاعات و اسرارند و در نتیجه آنان را افرادی ناآگاه، قدیمی و به دور از جریان می‌شناسند و به خود حق می‌دهند که دست خویش را از دامن ایشان جدا سازند^{۲۱} و این خود مقدمه‌ای برای بروز فاجعه‌های دیگر است.^{۲۲}

توسعه اخلاق استنباطی^{۲۳} و تنزل اخلاق تعیینی^{۲۴} در دنیای امروز از جهاتی ریشه در

سنّی را شرایط و مقتضیاتی است. به عنوان مثال تدریس و تفهیم مسائل ازدواج و زناشویی عشق‌بازی برای کودک و نوجوان مناسب نیست.^{۳۱}

- به جنس بستگی دارد. چه بسیارند آگاهی‌های مربوط به دنیای جنس مخالف که برای نسل ما بدآموز و لاقابل در مقطعی از عمر زیان‌بخش است. ورود در حیطه هر جنس باید

نفوذهای دستگاه‌های جدید ارتباط را نادیده می‌انگارند یا به جای موضع‌گیری هدایتی و ارشادی سعی دارند همه مسائل را با زور استدلال و طرد و نفی حل کنند،^{۲۸} غافل از این که این شیوه‌ها کاربرد و برندگی ندارند.

۳- در جنبه کنترل: وتأسف بارتر از هر مسئله‌ای این است که دستگاه کنترل در جامعه ضعیف است. بی‌ضابطگی در همه جا عیان است. کوچه و خیابان و مجامع عمومی از نظم و پاکی مشروع و قانونی برخوردار نیستند. در مواردی حتی به گفته سعدی سنگ‌ها بسته و سنگ‌ها را شده‌اند.^{۲۹}

ضعف دستگاه تربیتی سبب آن شده است که خودکنترلی نیز به مرز صفر نزدیک گردد^{۳۰} و نسل نوجوان و جوان مالک چشم و گوش و لمس خود نباشند و توان اراده ناشی از تعقل و ایمان بسیار کم باشد و طبیعی است که در چنین شرایطی بر دامنه فجایع افزوده شود.

دید ما درباره معارف مکتسب

این که نسل ما دارای آگاهی‌های وسیع و پر دامنه باشد، آرزوی ماست. چه زیباست شرایط معرفتی نسلی که در سنین پایین قادر به درک مسائل جامعه و تحلیل و تبیین آن باشد و از خردسالی بتواند وارد دنیای معارف بزرگ‌ترها شده، به آگاهی‌های علمی روز مجهز گردد.

اما باور ما این است که برای هر طبقه و گروهی از سن و جنس، حتی در کسب دانایی‌ها خط قرمزی باید موجود باشد. دانایی‌ها و معرفت‌ها از نظر ما:

- به سنّ باید بستگی داشته باشد. زیرا هر



- وقت‌گذاری بیش‌تر والدین در خانه برای برقراری رابطهٔ انس و معاشرت و تعامل هدایت شده.

- تقویت پایه‌های ایمان و اخلاق در نسل و تقویت نیروی ارادهٔ ناشی از ایمان.

- برنامه‌داری برای پرکردن اوقات فراغت و ایجاد سرگرمی‌های نو و جذاب.

- تفهیم مفاهیم حسن و قبح، زشت و زیبا و باید و نباید با استفاده از قدرت منطقی و مذهب.

- نوسازی فکر و بازپروری باورها در عرصهٔ جلب یا رد جلوه‌های مدنیت موجود.

- همراه کردن نسل با خود برای حضور در مجامع رشد دهنده و رسیدن به تفاهم.^{۳۵}

- و بالاخره استفاده از جاذبهٔ محبت برای جلب دل‌ها و به دست گرفتن دست آنان، که

جدایی دست ایشان از دامن بزرگ‌ترها زمینه‌ساز فجایع و بحران‌هاست.

۲- در عرصهٔ مدرسه: اقدامات لازم در این عرصه عبارت‌اند از:

- برنامه‌ریزی جدید در تهیه و تدوین کتب درسی به تناسب شرایط روز و مدنیت جدید.

- تجدید نظر در گزینش معلمان و انتخاب سرآمدهای کتک‌خور برای معلمی که معلمان جامعه باید زبده‌ترین‌ها باشند.

- دانش‌افزایی معلمان موجود و به روز کردن دانش و آگاهی‌های اجتماعی آنان با تأکید بر آسیب‌شناسی‌ها.

- تشکیل سستاد بررسی‌های مربوط به نوآوری در جهان امروز و ارائهٔ شیوهٔ اتخاذ مواضع لازم پیش از وقوع بحران.

- تشکیل جلسات شور و مشاورهٔ مدارس برای حل و رفع مشکلات جدید منتشره در مدارس.

- تلاش در جهت وحدت فکری زن و شوهر و هم‌خط شدن آنان در عرصهٔ زندگی مشترک.

- برنامه‌داری برای تربیت نسل در جهت ایجاد رشد و هدایت و ارشاد.

با آگاهی و رشد و درک مسئولیت همراه باشد. - به رشد فکری بستگی دارد. همهٔ افرادی

که در معرض بمباران اطلاعاتی‌اند قادر به درک و تبیین امور نیستند و میزان درک و رشد

نوجوان در مرز بهره‌گیری درست از وقایع و جریان‌ات نیست.^{۳۲}

- به مصلحت فرد و جامعه بستگی دارد. بیداری نابه‌هنگام خفته‌ای دربارهٔ یک امر

جنسی، مبارزه‌ای، اقتصادی یا فرهنگی گاهی ممکن است خطرآفرین باشد. تهییج و تحریک

جنسی نوجوان و جوانی که شرایط ازدواج برای او فراهم نمی‌باشد، کم‌تر از یک جنایت

نیست.^{۳۳}

در جمع‌بندی کلی باید گفت بسیاری از امور حق‌اند، ولی هر حق را در هر کجا نمی‌توان گفت

و برای هر کس نمی‌توان عرضه و ارائه کرد. آگاهی‌های منتشره نباید هوس‌ها را تهییج کرده،

فرد بدون افتناع را به خود واگذارد. چشم و گوش فرزندان را زمانی باید باز کرد که امکان موضع‌گیری مناسب برای آنان فراهم باشد.^{۳۴}

و اینک چه باید کرد؟

در طریق حل مسئله و کنترل تعامل‌ها و حذف مقداری از وارونگی‌های آن ناگزیر باید

در سه جبهه کار کرد:

۱- در عرصهٔ خانواده: در این عرصه این نکات بیش‌تر باید مد نظر باشند:

- دانش‌افزایی والدین و به روز درآوردن آگاهی‌شان در همهٔ عرصه‌های مربوط به حیات اجتماعی.

- تلاش در جهت وحدت فکری زن و شوهر و هم‌خط شدن آنان در عرصهٔ زندگی مشترک.

- برنامه‌داری برای تربیت نسل در جهت ایجاد رشد و هدایت و ارشاد.

- تشکیل سمینارها و به مسابقه‌گذاری ارائه راه‌حل‌ها در برابر هجوم‌های گوناگون، مخصوصاً هجوم‌های فرهنگی.

- پرکردن اوقات دانش‌آموزان با امور و مسائل مفید (نه تنها درس و بحث و مشق) و کاستن از توان جذب و انجذاب ابزار ارتباطی جدید.

- پرکردن فاصله روانی بین معلم و شاگرد و ایجاد رابطه انس بیشتر در بین آنان با رعایت اصل پاسداری از حرمت آنان.

- زمینه‌سازی برای تهیه ابزار برتر در برابر زرق و برق‌های جدید اطلاعاتی.

- تلاش در خط تقویت نیروی اراده برخاسته از ایمان در مدارس با ارائه الگوها.

۳- در جامعه:

- تسریع در تأمین اشتغال و مسکن برای نسل جوان و زمینه‌سازی برای حرکت موظف آنان.

- تبلیغ در خط پایین آوردن سن ازدواج در جهت کم سو کردن جاذبه‌های بیرون.

- برنامه‌داری و وزارت ارشاد در عرصه تهیه فیلم، کتب، نشریات، پوسترها، عکس‌ها و تبلیغات.

- برنامه‌ریزی اندیشیده سازمان تبلیغات در جهت نشر اندیشه اسلامی و رهایی از انحصار فعالیت‌ها در امور ظاهری.

- سامان‌داری صدا و سیما در نشر و ارائه صححنه‌ها با توجه به بینندگان و شنوندگان نوجوان و جوان.

- پاک‌سازی خیابان‌ها و معابر عمومی از عوامل فساد و آلودگی و معاشرت‌های ناباب، مخصوصاً در اماکن عمومی.



- گسترش آموزش عمومی در جامعه و هشیار کردن مردم به شرایط روز از طریق منابر، جمعه‌ها و جماعت‌ها.

- خط‌دار کردن برنامه منابر در ایام عزاداری‌ها و جشن‌ها توسط حوزه مدیریت علوم دینی و زمینه‌سازی برای جذب نوجوانان و جوانان.

- تعیین مرزهای نو برای سازمان‌ها و نهادها و دستگاه کنترل‌کننده جامعه از دستگاه‌های انتظامی، ارشادی و...

.. فراهم سازی زمینه‌ای از تبلیغات در شهر که در و دیوار و تابلوهای آن دعوت کننده به دیانت، حفظ عفت، شرافت، تقوا و پاکی باشند.

- همکاری تنگاتنگ دستگاه‌های اجرایی و قضایی در زدودن آثار انحراف در جامعه.
- تشکیل جلسات بحث آزاد و ترویج گفت و گوها در جامعه بر اساس منطق داری و استدلال و تلاش در اقتناع اذهان.

۲۰- به علت محدودیت سنی، شغلی، مسکن

و...

۲۱- والدین و مربیان را قدیمی و امثل

می‌شناسند.

۲۲- اقدامات خودسرانه و ناشیانه .

۲۳- برآن چه خود می‌فهمد تأکید می‌کند و

استنباط خود را ملاک قرار می‌دهد.

۲۴- براساس ملاک تعیین شده توسط صاحبان

مکاتب و ادیان حرکت کردن.

۲۵- مدعی اند که آنان ما را درک نمی‌کنند.

۲۶- به اصطلاح روان‌شناسان، جاذبه‌ها او را

می‌بلعند.

۲۷- میل به ازدواج و زناشویی

۲۸- یابرخوردهای چکشی و مستبدانه.

۲۹- امکان نهدی از منکر با دشواری‌ها مواجه

است.

۳۰- خودکنترلی، ناشی از خواست قوی و اراده

برخاسته از ایمان است.

۳۱- که در آن صورت قداست‌ها به زیر سؤال

می‌روند.

۳۲- او تنها به لذت می‌اندیشد، نه مصلحت.

۳۳- جوان را سیر نمی‌کنیم، دیگر چرا بر

اشتهایش دامن می‌زنیم!

۳۴- از تعهد و مسئولیت سردرآورند.

۳۵- اصل اثرگذاری معاشرت، مجالست و

مؤانست.

پی‌نوشت‌ها:

۱- سوره روم، آیه ۳۰

۲- سوره نحل، آیه ۷۸

۳- همان

۴- سوره بقره، آیه ۳۳

۵- و هر مرکزی که نقشی در تربیت ایفا کند.

۶- سوره آل عمران، آیه ۱۹۱

۷- سوره انعام، آیه ۹۸

۸- خذالعلم من افواه الرجال

۹- تعامل وارونه

۱۰- این امر در روال تاریخ بود.

۱۱- مخصوصاً تلویزیون، ماهواره و اینترنت .

۱۲- والدین و مربیان به عللی محافظه کارتر از

شاگردان‌اند.

۱۳- و شاید هم از جهاتی بیشتر تر.

۱۴- گاهی سندی در کشور محرمانه است، ولی

ماهواره‌ها از شب قبل آن را در دسترس عامه

می‌گذارند.

۱۵- مثل روزگار ۵۰ سال قبل.

۱۶- مثل نشر عشق و عاشقی‌ها .

۱۷- الشّر کامن فی طبیعه کل احد. علی -

علیه‌السلام .

۱۸- داستان خیابان گاندی تهران هشدار دهنده

است.

۱۹- و حتی نمایش کاراته‌بازی‌ها برای نسل کم

سن.